

الحق به سازمان جهانی تجارت در حوزه «مالکیت معنوی»: مشروعیت، الزامات و موانع نظام حقوقی ایران

محمدحسن صادقی مقدم*

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد صادقی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق(ع)

حسینعلی امیری

مدرس دانشگاه و عضو حقوقدان شورای نگهبان

چکیده: بحث تجارت در جهان امروز، و الحق کشورها به سازمان جهانی تجارت، فرصت‌ها و چالش‌هایی را پیش روی دولتمردان قرار داده است. پذیرش جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر سازمان مذکور، اندیشه حقوقدانان، اقتصاددانان و سیاستمداران را به خود معطوف نموده است. در این مقاله، ابتدا مشروعیت حقوق مالکیت معنوی در اندیشه فقهاء(به عنوان پیششرط و مقدمه واجب) مورد بررسی قرار گرفته و سپس الزامات الحق ایران به سازمان جهانی تجارت در این حوزه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این بررسی محسن و معایب و همچنین موانع احتمالی و راهکارهای پیشنهادی مد نظرخواهد بود. از مواردی که به طور معمول، کشورها از جمله ایران با آن رویرو هستند، ضرورت اصلاح قوانین و مقررات در حوزه مالکیت معنوی است. شناسایی حقوق مالکیت معنوی از نظر فقهی و قانونی در ایران، مشروعیت و امکان الحق ایران به سازمان مذکور را تسهیل کرده است.

واژگان کلیدی: سازمان جهانی تجارت، مالکیت معنوی، آرای فقهی، مشروعیت

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۲/۳۰
تاریخ پذیرش نهایی:

۱۳۹۱/۱۲/۱۴

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: Mhsadeghy@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از فعالیت‌های کم‌نظیر یا حتی بی‌نظیر بشری که زندگی او را در تمامی شؤون فردی و اجتماعی با تحولات گسترده‌ای مواجه کرده است، تجارت بوده؛ و به تحقیق آنچه که طی سطوح مختلف دوران تاریخ به دنبال ظهور این پدیده بر زندگی بشر گذشته، نظیر آن در تاریخ کمتر مشاهده شده است. هم‌اکنون هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که از تجارت تأثیر نپذیرفته باشد. حتی این ضرورت احساس می‌شود که جهت پیشرفت همه جانبه زندگی بشری، باید هرچه سریع‌تر و به شکل همه‌جانبه آنها را به سمت هماهنگ شدن تجاری سوق داد و بشر امروز می‌تواند امیدوار باشد که با تنظیم نظام هماهنگ تجاری، نتیجه فعالیتهای خود را در این رابطه در دوره زمانی کم و با سرعت بسیار بالا بدست می‌آورد. اما در کنار تحقق بسیاری از این رؤیاهای شیرین به یقین می‌توان گفت تجارت جهانی یکی از بزرگترین چالش‌های خود را برای نظام‌های ملی و کوچک به وجود آورده است؛ زیرا بسیاری از کشورها به این مسئله واقنده که با عضویت در این نظام جهانی می‌باشد از برخی روش‌های اقتصادی و حقوقی خویش صرف نظر نمایند. کشور ایران نیز به عنوان یکی از اعضای جامعه بین‌المللی، چندی است به دنبال عضویت در سازمان جهانی تجارت (WTO) بوده است که در صورت نهایی شدن آن می‌باشد علاوه بر برخورداری از موهب، تبعات حقوقی و اقتصادی عضویت آن را نیز متتحمل گردد. لازمه الحق کامل ایران به این سازمان به وجود آمدن بسترها لازم در حقوق ایران است. با بررسی دقیق و علمی می‌توان به تقاض و ابهامات قوانین موجود پی برد. لذا ضروری است که از طریق اتخاذ تدابیر تقنی و یا سیاستگذاری کلان اقتصادی و اجتماعی مناسب، مضرات و تبعات سوء احتمالی خنثی گردد.

مقاله حاضر در پی آن است که در پی پاسخ به الزامات تقنی و اجرایی در زمینه الحق به سازمان جهانی تجارت، در مقام بیان جواز الحق ایران به سازمان مزبور، آثار حقوقی پذیرش قوانین جهانی بر نظام حقوقی فعلی کشور را در این حیطه ارزیابی نماید. از این رو بررسی مشروعیت فقهی این امر (به عنوان مقدمه واجب برای الحق) و آرای مرتبط با حوزه مالکیت معنوی ضروری می‌نماید. به همین منظور مختصر آراء و مسائل مرتبط با این حوزه، تشریح می‌شود و به تبع آن، با مقایسه مقررات حاکم در کشور با قوانین مرتبط سازمان جهانی تجارت، الزامات حقوقی الحق ایران به این سازمان در حیطه مورد بحث و آثار آن بر مالکیت معنوی تبیین می‌گردد.

بررسی الزامات حقوقی الحق به سازمان جهانی تجارت، تاحدودی متضمن حکومت قانون بر روابط تجاری دولتها در جهان ناهمگون است. نگرش در این امر مستلزم بررسی

جایگاه سازمان جهانی تجارت در نظام حقوقی بین‌الملل و اهمیت مالکیت‌های معنوی از حیث جایگاه آن در مبانی فقهی‌به علت ابتنای نظام حقوقی ایران بر فقه امامیه – می‌باشد؛ لذا در وهله‌ی بعدی به ذکر این مهم خواهیم پرداخت.

۱- جایگاه سازمان جهانی تجارت

سازمان جهانی تجارت، یکی از مهم‌ترین سازمان‌های تأثیرگذار در سطح بین‌المللی به شمار می‌رود. به گونه‌ای که امروزه قواعد، مقررات و موافقت‌نامه‌های این سازمان که بر تجارت جهانی کالا، خدمات و حقوق مالکیت‌های معنوی حاکم گردیده است، به نوعی قانون اساسی تجاری دنیا تبدیل شده و هرکشوری که خواهان بهره‌گیری از امکانات اقتصاد بین‌الملل می‌باشد، الزاماً باید از این قوانین و مقررات تبعیت کرده و قوانین و مقررات تجاری خود را با موافقت‌نامه‌های این سازمان سازگار نماید.

عضویت در هیچ سازمانی به صعوبت سازمان جهانی تجارت نیست چراکه اعضای آن زمانی حاضرند بازار خود را در اختیار عضو جدید قرار دهند که متقابلاً از آن کشور امتیازات لازم را بگیرند و می‌توانند بطور یکجانبه و بر اساس سیاست‌های ملی از دادن امتیازات (WTO) به کشور تازه وارد خودداری نمایند. این امر معمولاً برای گرفتن امتیازات بیشتر در مذاکرات دوچانبه مورد بهره برداری قرار می‌گیرد.

۲- جایگاه حقوق مالکیت معنوی

در این مبحث، به جهت اهمیت حقوق مالکیت معنوی و لزوم بهره‌مندی این قسم از حقوق، از ضمانت‌اجراهای حقوقی و قانونی، لازم است تصریح شود که تحقق ضمانت اجرای قانونی برای مالکیت معنوی و تعامل بهتر آن با نظام جهانی، مستلزم پردازش تقنینی آن بوده و این مهم بدون توجه به آرای فقهی؛ به عنوان لازمه اصلی بررسی مشروعیت این حقوق در نظام حقوقی ایران، امکان‌بزیر نخواهد بود. از این رو پرداختن به تعامل نظام حقوق جهانی و مبانی فقهی در مورد الزامات پیش روی حقوق ایران در این عرصه بسیار حائز اهمیت است.

۱-۱- از حیث جایگاه آن در اختلافات فقهی

در کنار جایگاه حقوقی مالکیت معنوی، آنچه در زمینه جایگاه فقهی مالکیت معنوی، مسلم جلوه می‌نماید این است که موضع حقوق اسلامی و فقهها راجع به مالکیت معنوی متفاوت است؛ چرا که برخی از فقهها این نوع از مالکیت را به رسمیت نمی‌شناسند ولی برخی دیگر، آن را عنوان یک حکم عقلی و بنای عقلاء شرعی می‌دانند. لذا در این زمینه نظر واحدی

بين فقهاء مشاهده نمی‌شود. برخی از فقهاء متأخر به عنوان احکام سلطانی یعنی حق حکومت معتقدند که این حقوق مشروعيت دارد؛ چرا که این گروه معتقدند اگر حکومت راجع به مالکیت معنوی مقرراتی را وضع نماید، بعنوان احکام سلطانی در اسلام مشروعيت خواهد داشت.

ضرورت اشاره به آراء فقهی در این مقاله از آنجاست که مشروع بودن مالکیت فکری یکی از شرایط بنیادی برای الحق است که می‌توان آن را از لحاظ اصولی به مقدمه واجب تشبيه کرد که از خود واجب استقلال دارد درنتیجه اگر چنین امری محقق نشود اساساً الحق منتفی است؛ لذا الحق نمی‌تواند موجب مشروعيت گردد بلکه مشروعيت بعنوان شرط الحق است. همچنین با توجه به اینکه مطابق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشخیص این امر که قوانین می‌بايست مطابق با موازین اسلامی باشد، بر عهده فقهای شورای نگهبان است و فقهاء شورای نگهبان رویه واحدی در این مورد نداشتند؛ و این امر منجر به سکوت قانونی و عدم ضمانت اجراء در برابر مشروعيت اقسامی از این حقوق گردیده است و در واقع نوعی شبه عدم مشروعيت در قبال این مهم وجود دارد که مصادق بارز آن را می‌باشد «حق کبیری رایت» دانست که نوع تعامل این شورا با این حق، تأثیر فراوانی را در روند الحق و آثار آن در پی خواهد داشت. به نظر می‌رسد که پرداختن به جایگاه حقوق مالکیت معنوی و مشروعيت اقسام آن، آنقدر مهم باشد که در بررسی موافع، ضرورت‌ها و الزامات فصل جداگانه‌ای را بدان اختصاص داد و پس از اثبات امکان مشروعيت آن در قالب آراء موافقان، قائل به ضرورت این حقوق شد؛ که در حقیقت یکی از پیش شرط‌های الحق همین امر است که در قالب الزامات تقنیتی جمهوری اسلامی ایران جلوه می‌نماید.

پیش از ورود به بحث اصلی لازم است متذکر شد که؛ اختلاف در مشروعيت مالکیت معنوی را باید ناشی از تقسیم‌بندی احکام (از حیث اولیه، ثانویه و حکومتی) نیز دانست. از این رو برای نیل به مباحث اصلی و با چشم‌پوشی از اختلاف در مبنای و تقسیم‌بندی در انواع احکام، صرفاً به تحریر محل نزاع و نظرات و دلایل موافق و مخالف اکتفا می‌کنیم و بحث از مبانی اختلافات را به نگارشات موجود در این زمینه ارجاع می‌دهیم.
(اسماعیلی، ۸۱/۱۲۸۹)

۲-۱-۱- استدلال مخالفان مشروعيت مالکیت معنوی

دیدگاه فقهاء شیعه در خصوص حقوق مالکیت معنوی را می‌توان به دو دسته موافق و مخالف تقسیم کرد. مخالفان مشروعيت حقوق معنوی به ادلّه‌ای از جمله؛ آیه کتمان، روایت

و نیز حرمت دریافت اجرت در برابر واجبات تمسک جسته‌اند و معنقدند خداوند متعال در سوره مبارکه بقره در تهدید کتمان کنندگان حقایق فرمود: «کسانی را که دلایل روشن و هدایت کننده ما را پس از آنکه در کتاب برای مردم بیانشان کرده‌ایم، کتمان می‌کنند هم خدا لعنت می‌کند و هم دیگر لعنت کنندگان». علاوه بر این روایاتی که از کتمان علم نهی می‌کنند که برخی از آن‌ها عبارتند از: عن النبي(ص): «هرگاه بدعت و شباهی در امّت ظاهر گردد، عالم باید علم خویش را در مورد آن بکار برد و آن را پاسخ دهد و اگر چنین نکند لعنت خدا بر او خواهد بود.» (کلینی، ۱۴۲۹ ه ق، ج ۱/ ۱۳۵) و «هرکس که در مورد علمی که آن را می‌داند، از او سؤالی شود و آن را کتمان نماید، در قیامت به پوششی از آتش در خواهد آمد.» (مازندرانی، ۱۳۸۸، ج ۱/ ۱۸۹) از این رو انگیزه و علت اصلی مخالفت با مالکیّت‌های معنوی را باید استدلال به ناسازگاری با رسالت و قداست علم برشمرد.

از جمله عواملی که در رویکرد منفی ایشان به حق تأثیر فراوان داشته، مسأله عدم جواز اخذ اجرت در برابر انجام واجبات است. چرا که تعلیم و تعلم علوم ضروری و نیز علوم دینی واجب کفایی و تارفع نیاز جامعه اسلامی بر همه افراد مستعد، واجب شرعی است. بنابراین بر اندیشمندان مسلمان واجب می‌دانند که بدون چشم‌داشت مادی به تحصیل و تأثیر و تعلیم دانش پردازند و در اثبات نظریه خویش به اثبات حرمت اخذ اجرت در نظر فقها پرداخته و بدان استناد می‌کنند که؛ نزد برخی فقهیان در واجبات عینی تعیینی حتی اگر از صناعات و علومی باشد که قوام امور زندگی مسلمانان بر آنها مترتب باشد، اخذ اجرت جائز نیست.(اصاری، ۱۴۲۰ ه / ۶۵-۶۳؛ امام خمینی، ۱۴۰۸، ج ۲/ ۱۶۹)

در استدلال دیگری در مورد مخالفت با مشروعیت این حقوق با استناد به اینکه عقل و عقلاً در برابر این دسته از تولیدات مابه ازایی، قائل نیستند و اصولاً چنین حقیحتی از نظر عرفی را نیز نپذیرفته‌اند. استدلال ایشان بر این امر استوار است که اقدام به این قسم از حقوق را فطري دانسته و آن را واجد حق مالی نمی‌دانند. در رد مشروعیت مالکیّت معنوی به این استدلال نیز بر می‌خوریم که؛ تولیدات فکری متعلق به فردی خاص نیست و ناشی از تولیدات و تلاش‌های پیوسته افراد جامعه در طول زمان است و موجبات آن اقتضا می‌کند که در جرگه مالکیّت اشتراکی و اجتماعی باشد و نه فردی.(مطهری، بی‌تا، ج ۲۰/ ۴۳۵)

بدیهی است که پذیرش این استدلال دشوار به نظر می‌رسد، چرا که نمی‌توان تولیدات فکری و حقوق فرد را از وی بیگانه و جدا دانست و آن را نفی نمود.

۱-۲-۱ استدلال موافقان مشروعیت مالکیت معنوی

پذیرفتن مشروعیت حقوق معنوی و اقسام مختلف آن در حقیقت می‌تواند نقطه عطفی بر بایسته‌های قانونی و تقنیستی در این حیطه و طبیعه تعامل با قواعد جهانی مرتبط با حقوق مالکیت معنوی باشد. همانگونه که امام خمینی(ره) که نخستین مخالفت در زمینه مشروعیت این قسم از حقوق را بیان داشتند، (امام خمینی، ۱۳۶۳، ج ۵۶۳/۲) از این واقعیت چشم پوشی نکرده‌اند که «والی مسلمین حق دارد که هرگونه صلاح مسلمین است عمل نماید و اگر دولت اسلامی صلاح دید و مقرراتی در این زمینه وضع نمود، رعایت آن الزامی است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷/۸۷)

برای اثبات مشروعیت حقوق معنوی می‌توان به ادلهٔ ذیل استدلال کرد:

۱- قرآن کریم

برای اثبات این قسم از حقوق می‌توان به آیات مختلفی از قرآن استناد نمود که عبارتند از:

الف) آیه «أَحَلَ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَمَ الرِّبَا» (بقره/ ۲۷۵) و آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء/ ۲۹) وجه استناد این آیه بر مدعای ما آن است که در نزد عقلا و عرف، این امر منحصر در بیع نبوده و همچنین بیع نیز در مواردی غیر از اعیان شناخته شده است و بعيد است که هیچ کسی تردید بر صدق بیع بر این گونه موارد کند. (امام خمینی، ۱۴۲۱ ه ق، ج ۱۰۱-۹۸/۱) از این رو در مورد مالکیت معنوی و آثار فکری نیز که واجد ارزش مالی هستند، هرگونه معامله‌ای جایز است و تصرف بدون وجه شرعی در آن‌ها، بموجب آیه فوق مصدق اکل مال به باطل است.

ب) آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أُوفُوا بِالْعُهُودِ» (مائده/ آیه ۱۱) تردیدی وجود ندارد که این آیه در مقام بیان لزوم هرگونه عهد و پیمانی است، و از مصاديق لازم بودن وفای به عند نیز باید حقوق معنوی را بر شمرد.

۲- بناء عقلاء یا عرف

قائلان و موافقان حقوق مالکیت معنوی، با این توضیح که پدیدآورندگان آفرینش‌های فکری و معنوی همواره از سوی عقلای جهان مورد احترام بوده‌اند و با توجه به اینکه از سوی شارع مقدس این بنای عقلاء به ویژه مورد منع و ردع قرار نگرفته و اصولاً کار شرع وضع احکام است و تشخیص و تطبیق غالب موضوعات و مصاديق آن به عهده عرف و مکلفان است، معتقدند که مالکیت معنوی اعتباری مورد تأیید شرع انور است، و مشروعیت

آن اثبات می‌گردد چنانکه برخی فقهان معاصر در پاسخ استفتای مقلدان بر این دلیل تصريح فرموده‌اند. زیرا وقتی شارع خود از عقلاً بلکه رئیس عقلاست، معنا ندارد که آن چه مورد توافق آرای همه عقلات شارع به آن حکم نکند، بلکه اگر حکم نکند خلاف حکمت است. از این رو هر نوع عملی که در نظر عرف و عقلاً منشأ حقوق باشد، رعایت آن لازم و عدول و تجاوز به آن حرام و مصدق ظلم است. (سبحانی، ۱۳۷۱ / ۲۰۷)

همچنین موافقان حقوق مالکیت معنوی ارتکاز و سیره عقلاً را در تأیید نظر خود تمسک جسته که با ارتکاز عقلانی در گستره زمین و زمان به رسمیت شناخته شده و بر اساس این دلیل از یک سو ارتکاز عقلاً بر مالکیت این حقوق دلالت دارد و از سوی دیگر نیز هیچ منع و ردیعی از شارع نسبت به این ارتکاز به دست ما نرسیده است. این نوع ارتکاز مخصوص زمان خاصی نیست بلکه هر زمانی را شامل می‌گردد. لذا در عرف عقلاً، یکی از حقوق قابل احترام، حقوق معنوی است؛ که هم تشخیص این حق و هم ارزیابی آن با عرف است و «شامل مسلمانان و غیر مسلمانان می‌شود و در نزد اصولیان متأخر، تعبیر از آن به بنای عقلاً شایع است» (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲/ ۱۵۳) از این رو نیازی به تأیید و امضای شرعی آن، برای حجت دانستن بنای عقلاً و یا عرف نیست و تنها عدم رد و مجرد عدم قیام علیه آن، کفایت می‌کند و در این زمینه تحدیدی از تاحیه شارع مقدس وجود ندارد.

(فاضل لنکرانی، ۱۳۷۱ / ۲۱۰؛ مرعشی شوشتاری، ۱۳۷۱ / ۲۱۰)

۳- قاعده سلطنت بر اموال

یکی از قواعد مسلم فقهی، قاعده‌ای است که گاهی از آن به «قاعده تسلط» یا «قاعده تسلیط»، تعبیر می‌شود ولی در عبارت فقهی به «قاعده سلطنت» معروف است. سلطنت به معنای تسلط کامل مالک بر اموال مشروع خود بوده است. این قاعده فقهی مستند به سیره عقلاً و حدیث معروف نبوی: **النَّاسُ مُسَلَّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ** (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷/ ۱۱۵۴) است؛ زیرا مالکیت دارایی‌های اشخاص، از دیدگاه عقل و شرع همان سلطه قانونی اشخاص بر اشیاء و داشتن حق استثمار و استعمال و انتقال ملک می‌باشد. فقهان بزرگ هر چیزی که دارای منفعت محلله مقصوده عقلاً باشد شرعاً قابل تملک و مبادله یا نقل و انتقال می‌دانند. و معتقدند که با اخذ مال دیگران باید عین آن، و اگر متغیر شد، مثل آن داده شود. (حسینی، ۱۳۷۰ / ۲۳؛ انصاری، ۱۴۲۰ / ۱۶۵)

۴- قاعده حرمت مال و عمل مسلمانان

در اسلام مال و دارایی مشروع هیچ‌گاه بی‌ارزش معرفی نشده است. حتی در حدیث نبوی طلب مال حلال در حکم جهاد در راه خدا و برترین عبادت، و نیز کشته شدن در راه دفاع

از مال، در حکم شهادت به حساب آمده است. (حر عاملی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۱/۱۲؛ کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵/۸۸)

همچنین؛ در سخن پیامبر اسلام آمده است: «حُرْمَةٌ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةٍ دَمِهِ» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲/۲۶۸). این تشییه با توجه به اهتمام شریعت اسلام برای حفظ جان و دم محترم، بیانگر لزوم رعایت حرمت مال دیگران، و مصوّبیت داشتن آن از هر گونه تصرف بدون اذن و اجازه صاحب آن در اسلام است.

۵- قاعده لا ضرر

یکی از قواعد مسلم و قطعی اسلام این قاعده فقهی عام است که مستند آن حدیث نبوی است: «لا ضرر و لا ضرار في الإسلام» (بجنوردی، ۱۳۸۹ق، ج ۱/۲۰۳؛ الجبعی العاملی، ۱۴۱۰ه ق، ج ۲/۲۲۶). این قاعده عمومی ثانوی بر کلیه قوانین اولیه ناظر و حاکم است، بر اساس این حکم کلی امتنانی هر یک از احکام شرعی که در اوضاع خاصی باعث زیان رساندن به جان یا مال و آبروی مسلمان گردد و حقی از دیگری را تضییع نماید از اجرا و عمل به آن قانون جلوگیری می‌شود و هر عبادت یا معامله‌ای که مستلزم ضرری شخصی دنیوی - جز تکالیف اولیه ضروری که به خاطر مصالح مهمتر وضع شده باشد - برداشته می‌شود؛ به عبارتی «بر اساس قاعده لا ضرر و لا ضرار، بهره برداری از نتایج کار مؤلف یا هنرمند و نظایر آن، اضرار به آن‌ها تلقی می‌شود که در شریعت مقدس به صراحةً منمنع شده است.» (مطهری، ۱۳۶۹ / ۱۲۵) از این رو می‌توان گفت گرچه حق مالکیت شرعی به مقتضای قاعده تسليط حقی است مطلق و دائمی و اختصاصی، که مالک حق هر گونه انتفاع و بهره‌برداری از آن را دارد و کسی حق ندارد مانع استفاده او گردد اما بر اساس قاعده لا ضرر آن اطلاق مقید و محدود می‌شود و استفاده از حق تملک و اولویت و اختصاص مشروط به آن است که تصرف مالک در ملک خود برای دیگر افراد جامعه زیانبار نباشد. به سخن دیگر، در صورت تعارض میان قاعده سلطنت و لا ضرر قاعده اخیر، مقدم خواهد بود (بجنوردی، ۱۴۰۱ه ق، ج ۱/۳۷۱؛ آیتی، ۱۳۷۵ / ۵۱-۵۲) به عبارتی قاعده لا ضرر حکم ضرری را اعم از آن که تکلیفی یا وضعی باشد تقی می‌کند، اما جعل حکم نمی‌کند. با وجود این چنانچه باور داشته باشیم که قاعده لا ضرر جعل حکم می‌کند - چنانچه برخی (امام خمینی، ۱۴۰۰ه ق، ج ۴/۲۷۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱/۸۶؛ صدر، ۱۴۲۰ه ق / ۲۹۶-۲۹۴) به آن باور دارند - در این صورت می‌توان از قاعده یاد شده برای اثبات حقوق مالکیت معنوی بهره گرفت.

۶- ولایت فقیه و حکم حکومتی

برخی از فقهای معاصر، با توسعه مبنای ولایت فقیه، اختیارات گسترده‌ای برای فقیه قائل شده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پس از انقلاب بر مبنای ولایت فقیه شکل گرفته است. لذا این اصل توانسته است راهگشای بسیاری از مشکلات حقوقی، به ویژه در دایره امور حکومتی باشد. از جمله مواردی که به مبنای ولایت فقیه تمسک شده است، در زمینه حقوق مالکیت‌های معنوی است؛ چرا که اگر حکومت، اجرای احکام اسلامی را بر عهده نگیرد، هرج و مرچ لازم می‌آید که مبغوض شارع مقدس است (امام خمینی، ۱۴۲۱ ه ق، ج ۲، ص ۶۱۹) لذا ولی فقیه اگر مصلحت جامعه را در الزام اجتماع به تعییت از نظام مالکیت فکری ببیند، می‌تواند از ولایت خود استفاده و با محترم شمردن این حقوق، رعایت آن را بر همگان تکلیف نماید. بدیهی است که اعتبار حقوق مالکیت‌های معنوی، متوقف بر آن است که ولی فقیه از طریق کارشناسی و مصلحت سنجی، صلاح اجتماع را در پیروی از این نظام ببیند چرا که «احکام متغیر، تابع مصالح و مقتضیات زمان» دانسته شده است. (نائینی، ۱۴۲۴ ه ق، ص ۱۳۷) و بدیهی است که این امر از روی مصلحت مسلمین بوده و تا عنوان وجود داشته باشد، این حکم خواهد بود و با رفتن آن حکم نیز برداشته می‌شود. (امام خمینی، ۱۴۲۳ ه ق، ۱۷۲)

۷- قاعده حفظ نظام

مراد از این قاعده، حفظ و نگهداری حکومت اسلامی و جلوگیری از خدشه‌دار شدن وجهه داخلی و بین‌المللی آن است. بر اساس این دلیل، در نظر گرفتن حقوق مالکیت معنوی از اختلال نظام جلوگیری می‌کند و از سویی در مواردی که اهمیت کمتری نسبت به موضوع مورد بحث دارند یا مشابه آنند، بارها به این قاعده استناد و از آن به عنوان محکم‌ترین و مستدل‌ترین دلیل تعبیر شده است (از جمله: اردبیلی، ۱۳۷۵، ج ۲/ ۲۷۳؛ مصطفی خمینی (ره)، ۱۴۱۸ ه ق، ج ۲/ ۳؛ خوبی، ۱۳۷۷، ج ۱/ ۵۵ و ۲۷). آخوند خراسانی نیز تمسک به این قاعده را بارها مورد تأکید قرار داده است و معتقد است که «در هر حال احتیاط خوب است مگر آن که مخل به نظام باشد». (۳۵۴ / ۱۴۱۷)

از مجموع ادله مورد اشاره مشروعیت فقهی مالکیت معنوی آشکار شده و با این پیش‌فرض وارد مباحث راجع به الحال می‌شویم و به جوانب آن خواهیم پرداخت.

۲-۲- از حیث جایگاه آن در نظام بین‌المللی

هر نظامی باید بعنوان یک مجموعه از اجزاء (یک کل) در نظر گرفته شود. بنابراین از اینجاست که اهمیت مالکیت معنوی - علاوه بر نظام حقوقی داخلی - در ابعاد بین‌المللی نیز

حائز اهمیت بوده و کشورها برای رسیدن به اهداف عالی در این رابطه و نائل شدن به مالکیت معنوی داخلی پویا، ناگزیر از تعامل با نظامهای موفق دیگر در این حوزه می‌باشد و این مهم را حتی می‌توان در عمل نیز مشاهده نمود؛ تا جایی که «جهانی شدن و پیشرفت علم این فرصت را بوجود آورده است که مالکیت‌های معنوی و فکری بتوانند از مرزهای بین‌المللی بدون مواجه شدن با هیچ کنترلی به سادگی عبور نمایند و تمام مقررات گمرکی و تجارت بین‌الملل را به اصطلاح دور بزنند. (Fink and Maskus, 2005/67) از این روست که «آثار سوء مترتب بر عدم حمایت از این مالکیت‌ها بر باروری خلاقیت‌ها و نوآوری ایجاد می‌نماید که از این آفرینش‌ها به نحو شایسته و مؤثر در سطح جهانی حمایت به عمل آید و در این زمینه حتی‌المقدور هماهنگ و متعددالشكل عمل شود.» (صادقی یارندی، ۱۳۷۵، ۶۰) چرا که در غیر این صورت این امر تحت تأثیر تبعات منفی ناشی از عدم حمایت قرار خواهد گرفت.

در این راستا، پیمان‌هایی منعقد شده که عبارتند از کنوانسیون پاریس(۱۸۸۳) و قرارداد برن(۱۸۸۶) برای حمایت از آثار ادبی و هنری و کنوانسیون جهانی حق مولف، قرارداد مونته نگرو، قرارداد رم و...؛ همچنین مهم‌ترین اقدام در این راستا این است که wipo یا سازمان جهانی مالکیت معنوی به وجود آمد که طبق کنوانسیون استکلهلم(ژوئیه ۱۹۶۷) از آوریل ۱۹۷۰ به اجرا درآمد و از سال ۱۹۷۴ به عنوان چهارمین سازمان تخصصی سازمان ملل به رسمیت شناخته شد. بطور کلی در زمینه لزوم حمایت از این نوع از حقوق؛ می‌توان اذعان نمود که «کشورها با تصویب قوانینی، از این دسته از حقوق حمایت می‌کنند تا به دو هدف عده نائل شوند؛ ۱) اعطای وجهه قانونی به حقوق اخلاقی و اقتصادی خالقان این نوع آثار نسبت به انتفاع مادی از آنها و چگونگی دسترسی عامه به این نوع آثار ۲) ارتقاء و اشاعه خلاقیت وابتكار و استفاده از نتایج آن و تشویق "تجارت جوانمردانه" که به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک شایانی می‌کند. (WIPO Publication, 1999/ 3)

۳- پذیرش قواعد جهانی

پذیرش و الحق به موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت‌های فکری - (TRIPs) که لازمه‌ی اصلی الحق به WTO الحق به این موافقت‌نامه است - هریک از اعضای سازمان را ملزم به تامین معیارهای حداقل مشخصی در مورد حمایت از مالکیت فکری و اعمال این معیارها از طریق نظام حقوق داخلی خود می‌کند. معیارهای مورد نظر در برگیرنده - و در برخی موارد فراتر از آن - الزامات اساسی مندرج در مهم‌ترین موافقت‌نامه های بین‌المللی مربوط به مالکیت فکری، یعنی کنوانسیون های برن(در مورد حق نسخه برداری)

و پاریس (در مورد حق اختراع)، معاهده واشنگتن (در مورد مدارهای یکپارچه) و سایر کنوانسیون های سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) می باشند. جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری یکی از حوزه هایی است که در فرایند الحق، تعداد بسیار زیادی تقاضا برای ارائه اطلاعات و توضیح و سوالات مفصلی در مورد موضوعات مختلف تحت پوشش این موافقتنامه برای کشور در حال الحق مطرح می گردد. سوالات مطرح شده هم به روند پیشرفت امر تصویب قوانین لازم، قلمرو شمول و قابلیت اجرای آنها و مخصوصاً به انطباق آنها با موافقتنامه مربوط می گردند. همچنین از کشورهای در حال الحق خواسته شده است که در مورد نظام اجرای حقوق مالکیت فکری، شامل قوانین و رویه های مدنی و اداری خود توضیح دهند.

علاوه بر تعهد نسبت به رعایت کامل مقررات این موافقتنامه، اعضای سازمان از کشورهای در حال الحق می خواهند با دلایل متقن اعمال حمایت از مالکیت فکری را در کشور خود اثبات کنند.

نکته بسیار مهمی که کمتر بدان پرداخته شده، این حقیقت است که؛ در پذیرش قواعد جهانی (عضویت و یا عدم عضویت به این سازمان) برای کشور ما آثار حقوقی، اقتصادی، سیاسی و حتی شرعی بسیاری وجود خواهد داشت. از جمله این آثار را می بایست در شرعی و قانونی بودن و یا نبودن استفاده از دانش و اختراع و آثار معنوی دیگر کشورها توسط شهروندان و هموطنان ایرانی جستجو نمود. البته در این زمینه نیز میان فقهاء و حقوقدانان، اختلاف نظر بسیار است. اما به نظر می رسد این امر علاوه بر داشتن ایرادات حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی، برای کشورمان در عرصه بین الملل نیز وجهه چندان مطلوبی نشان نمی دهد. از این رو ضرورت قانونمند نمودن این مهم برای کشورمان بشدت احساس می شود ولی متأسفانه تاکنون، نظام حقوقی کشورمان به سادگی از آن عدول کرده و یا نسبت بدان بی اهمیت بوده است!

۱-۳- محاسن و معایب

پیش از پرداختن به بحث محاسن و معایب پذیرش قواعد جهانی لازم می نماید که به اثر پذیرش و الحق به موافقتنامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت های فکری - (TRIPs) به عنوان لازمه اصلی الحق به WTO پردازیم.

موافقتنامه TRIPS به عنوان جامع ترین سند در حیطه حقوق مالکیت فکری، به اعضای خود جهت ممانعت و جلوگیری از بروز محدودیت و مشکلات نامور و غیرموجه در تجارت، اجازه اتخاذ تصمیمات و اقدامات لازم را می دهد. در حقیقت مقررات این

موافقتنامه کشورهای تابع و عضو را جهت برخورد با رویه‌های ناموجّه در تجارت و رویه‌های منفی در زمینه انتقال فناوری و هرگونه سوء استفاده از حقوق مالکیت فکری توانمند می‌سازد تا اقدامات مقتضی را به منصه ظهور و اجرا بگذارند؛ چراکه بموجب ماده ۷ این موافقتنامه «حمایت از حقوق مالکیت فکری و اجرای این حقوق باید به توسعه ابداعات متضمن فناوری و انتقال و گسترش فناوری و استفاده متقابل تولیدکنندگان کمک نماید تا درنهایت به رفاه اقتصادی و اجتماعی و توازن میان حقوق و تعهدات منجر شود.» پذیرش قواعد سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق و بویژه در حیطه‌ی مالکیت معنوی، می‌تواند موارد وسیعی را در زمینه‌ی کارهای ادبی و هنری مانند کتب و سایر نشریات، موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی، برنامه‌های کامپیوتری و فیلم باشد یا حقوق مجریان این موضوعات (مانند هنرپیشگان، خوانندگان و سازمان‌های تبلیغاتی) مدّ نظر قرار دهد. جنبه دیگر مالکیت معنوی به ابداعات و اختراعات صنعتی مربوط می‌شود که این امر موجب حمایت از حقوق خالق آثار مختلف خواهد شد واز این طریق، انگیزه لازم به کسانیکه در راه پیشرفت علم و فنون سرمایه‌گذاری می‌کنند داده می‌شود. علاوه بر مزایای تصریح شده‌ی فوق، در ادامه به مزایای عضویت در سازمان جهانی تجارت اشاره می‌شود که به تبع آن سایر جنبه‌های حقوقی و اقتصادی نیز قابل استنباط خواهد بود.

- «دسترسی به بازارهای جهانی
- اعمال منافع تعریفه‌ای در مقابل صادرات کشورهای غیر عضو
- برخورداری از عدم تبعیض بین کشورهای در زمینه مالکیت معنوی
- مقابله با تحریم اقتصادی و اعطای جایگاه قانونمند به کشورها در اقتصاد جهانی و دشوار نمودن اعمال تحریم از سوی قدرت‌های بزرگ اقتصادی
- بهره‌گیری از اصل رفتار مساعد با کشورهای در حال توسعه و امکان ادغام تدریجی در اقتصاد جهانی
- مشارکت در تدوین قواعد و مقررات آتی تجارت جهانی
- به کارگیری موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت عموماً منجر به افزایش فرصت‌های تجاری برای کشورهای عضو می‌گردد.» (دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴/۱۸)
- «اصول چندجانبه‌ای که سختگیری شدیدتری به همراه دارد، محیط تجاری امن تر و قابل پیش‌بینی تری را تضمین می‌نمایند و اطمینان بیشتری در روابط تجاری فراهم می‌آورند.
- تنها اعضا می‌توانند از حقوق مندرج در موافقتنامه‌های سازمان استفاده نمایند.

- موافقتنامه‌های سازمان، شفافیت سیاست‌ها و روش‌های تجاری شرکای تجاری را قویاً افزایش داده، بدین وسیله موجب ارتقای ثبات روابط تجاری می‌گردد.
- اعضاء برای دفاع از منافع و حقوق تجاری خود به ساز و کار حل اختلاف دسترسی دارند.
- عضویت، از طریق مشارکت موثر در مذاکرات تجاری چند جانبه سازمان، باعث پیشرفت منافع تجاری و اقتصادی اعضاء می‌گردد.«دیپرخانه آنکتاد، ۷/۱۳۸۱» در مجموع با الحاق به این سازمان، تجارت و قواعد تجاری و حقوقی ویژگی‌هایی را به خود خواهد گرفت که می‌توان آنها را اینگونه برشمرد:
- تعیین شدن جایگاه هر کشور در نظام اقتصاد جهانی و تجارت آزاد بر اساس مزایای رقابتی
- فراهم شدن زمینه‌های تشکیل نظام واحد تجاری دنیا و رفع موانع موجود تجاری
- برقرار شدن تعادل قانونی و منطقی میان سیاست‌ها و قواعد تقنینی تجاری داخلی و تعاملات بین‌المللی
- ایجاد ثبات سیاسی بین‌المللی از طریق گره زدن منافع تجاری کشورها و تقویت همکاری‌های اقتصادی
- تنظیم و اجرای مقررات داخلی به گونه‌ای معقول و منصفانه موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی - بعنوان یکی از الزامات الحاق به سازمان جهانی تجارت - دربرگیرنده‌ی موضوعاتی از قبیل کپی رایت، علائم تجاری، علائم جغرافیایی طرح‌های صنعتی، طراحی مدارهای یکپارچه و اطلاعات افشا نشده‌ی تجاری می‌باشد و الحاق به این موافقتنامه و سازمان جهانی تجارت، می‌تواند موجب کاهش اختلال و موانع تجارت بین‌المللی، افزایش حمایت موثر از مالکیت معنوی و تضمین اجرای مفاد موافقتنامه گردد.
- گذشته از اینها، موافقتنامه‌ی TRIPs نیز نکات خاصی را مورد مطالعه قرار می‌دهد که به طور موجز می‌توان به آن‌ها اشاره نمود؛ از جمله این موارد که جزء محسن پذیرش این موافقتنامه به شمار می‌رود، عبارتند از:
- حمایت از برنامه‌های کامپیوتری و لزوم تسری تمهیدات معاهده‌ی برن ۱۹۷۱ در مورد آثار ادبی به این نوع برنامه‌ها (Kaeith, 1994/113) و همچنین حمایت از سازمان‌های اطلاع رسانی
- حمایت از بانک‌های اطلاعاتی، حتی اگر اطلاعات آنها مشمول TRIPs نباشند.

- حق صدور اجازه و منوعیت بهره‌برداری از برنامه‌های کامپیوتروی و کارهای سینمایی از سوی صاحبان آنها تامد ۵۰ سال از زمان انتشار اثر
- حمایت از علائم تجاری و هرگونه علامت یا علاماتی که باعث تمایز یک کالا از کالاهای دیگر شود. این حمایتها در ارتباط با خدمات نیز معتبر هستند و چنانچه موسسات خدماتی از علائم خاصی استفاده می‌کنند، حقوق آنها نیز مانند تولیدکنندگان کالا مشمول مقررات موافقنامه واقع می‌گردد.
- استفاده و حمایت از نام منطقه‌ای (علائم جغرافیایی) به عنوان حق انحصاری اعضاء؛ بدین معنا که هرگاه کالایی در محل یا منطقه‌ای از قلمرو یکی از اعضاء سازمان جهانی تجارت تولید شود و محصولات آن منطقه از کیفیت و شهرت ویژه‌ای برخوردار باشند، استفاده از آن نام منطقه‌ای، حق انحصاری عضو می‌باشد و بقیه اعضاء نمی‌توانند از آن نام برای محصول مشابه استفاده کنند.
- حمایت از طرح‌های صنعتی جدید و به ثبت رسیده و همچنین حمایت از حق ثبت یا اختراع و یا هر نوع ابداع یا نوآوری به منظور دسترسی بهتر تولیدکنندگان محلی و واردکنندگان
- و در نهایت؛ «حمایت از مدارهای یکپارچه؛ که در شکل نهایی آن عنصر الکترونیکی بکار رفته باشد؛ و اطلاعات غیرآشکار و اسرار تجاری و یا دانش فنی جزئی» (فاخری، ۹۸/۱۳۸۲)

علاوه بر محاسنی که احصاء گردید، نباید این حقیقت را نادیده انگاشت که توسعه و تحول نظام و حقوق مالکیت‌های معنوی و فکری در ایران موجب افزایش توانمندی نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف خواهد شد که در نهایت ماحصل آن‌ها را می‌بایست در افزایش اقتدار ملی کشور جست. البته تحقق این امور قبل از هر چیز منوط به بازنگری، تصحیح و تکمیل مقررات ملی ناظر بر امور مورد بحث می‌باشد.

علیرغم مزایایی و افر پذیرش قواعد تجاری بین‌المللی، قوانین سازمان جهانی تجارت را می‌بایست به تیغی دولبه تشبيه نمود که نمی‌بایست آن را حسن مطلق برشمرد چرا که برای برخی جوامع که نتوانند شرایط مساعد عضویت را فراهم نمایند، آثار سوء را نیز در پی دارد تا آنجا که فضای جهانی شدن از میان رفتن مرزهای ملی را در پی خواهد داشت. لذا حکومتها از این حیث، در بعد داخلی با چالش‌هایی مواجه می‌گردند و بخش خصوصی آن‌ها در معرض رقابت بی رحمانه خارجی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، تبعات اجتماعی و فرهنگی را نیز می‌بایست تشدید کننده این روند برشمرد که چنانچه دولت‌ها در بلند مدت

بتوانند از مزایای عضویت برای تقویت و تأمین منافع ملی استفاده نمایند، تبعات منفی فوق به تدریج رنگ خواهد باخت.

به هر حال پیوستن کشورهای در حال توسعه به روند جهانی شدن ممکن است تبعات منفی و مثبتی برای آنها به دنبال داشته باشد، اما کنار ماندن از این روند به معنای دور ماندن از یک چارچوب تصمیم‌گیری جهانی و کاهش تدریجی سهم ملی از تجارت بین‌المللی می‌باشد.

۳-۲-۳- موانع و راهکارهای پذیرش

الحق به سازمان جهانی تجارت، خود یک هدف نیست بلکه ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاست‌های ملی توسعه می‌باشد که کشورهای داوطلب الحق می‌باشد اهداف و درخواست‌های اعضای WTO را تا قبل از روند الحق به خوبی تعریف کرده و دستیابی کشورهای خارجی به بازار خود را بر آن اساس پذیرند و متعهد گردند. سوالات بدون پاسخ بسیاری در مورد "فوايد واقعی پيوستان به نظام تجارت چند جانبه و موانع و راهکارهای اساسی برای اين الحق" وجود دارد که آنها را ذيل دو مبحث موانع و راهکارهای الحق ارزیابی می‌کnim.

۳-۱-۲- خلاصه و موانع

«تجربه کشورها و اعضای جدیدالورود به سازمان جهانی تجارت بیانگر مواجه شدن آنها با مسائل و مشکلات متعدد در روند مذاکرات الحق می‌باشد. مسائل فرهنگی، ایدئولوژیک، حقوقی و قانونی معمولاً سدهای قدرتمندی در قبال فلسفه و چگونگی عضویت هر کشوری به حساب می‌آیند.» (فاخری، ۱۳۸۶/ ۱۷۸) در صورتی که ایران به عضویت کامل سازمان جهانی تجارت درآید بایستی معاہدات بین‌المللی زیادی را پذیرد و تعديلات زیادی را نیز در قوانین داخلی انجام دهد. در این بخش به شرح موانع و نواقص الحق پرداخته و درادامه معاہدات و موارد تعديلاتی که باید انجام گیرد را بر می‌شمریم.

- روند الحق معمولاً پیچیده و دشوار خواهد بود و اجماع سیاسی و اجتماعی در این رابطه به راحتی حاصل نمی‌شود و هماهنگی بین ارگان‌ها و نهادهای مختلف دولتی نیز تنها با برنامه ریزی مدبرانه و بلند مدت حاصل می‌گردد.

- از حیث اجرا، مجموعه قوانین و مقررات مالکیت معنوی ایران دارای خلاصه و نواقص فراوان است و پاسخگوی ضروریات کنونی این مقوله از حقوق نمی‌باشد. در رابطه با حمایت از حقوق مالکیت صنعتی در فضای مجازی و دیجیتال و همچنین در رابطه با

حمایت از اسرار تجاری و مقابله با رقابت نامشروع نیز قوانین و مقررات کافی وجود ندارد و مقررات داخلی قادر به حمایت همه جانبه از این مقولات نیستند.

- عدم انسجام قوانین و مقررات مرتبط و در برخی موارد فقدان مقررات (از جمله درباره انتقال حقوق مادی، شرکت‌های مدیریت جمعی حقوق پدیدآورندگان و دارندگان حقوق مرتبط، حفاظت از اطلاعات افشاء نشده) و «وجود خلاء جدی در مقررات گمرکی کشور از لحاظ اجرای تدبیر مرزی بعنوان یک اقدام اداری که رفع آن از جمله الزامات موافقت‌نامه تریپس بوده و همینطور در راستای اجرای تعهدات جمهوری اسلامی ایران در موافقت‌نامه مادرید راجع به جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع مجعلوی یا گمراه کننده بر روی کالا می‌باشد.» (امیری، ۱۳۸۸/۲۸۴)

بطور کلی نواقص موجود را باید در نواقص تقنینی، اجرایی و ضمانت اجرای مفید و موثر خلاصه نمود که می‌بایست در نگرش‌های آنی علاوه بر موازین اسلامی، موازین بین‌المللی نیز لحاظ گردد. بدین معنا که اصلی‌ترین مانع درمورد پذیرش قواعد بین‌المللی، سکوت، ابهام و یا فقدان قوانین مرتبط با بحث است.

در زمینه لزوم تطبیق برخی قوانین، که در مغایرت با مقررات سازمان جهانی تجارت می‌باشد، می‌توان - به عنوان نمونه‌ای از موانع - به اصل ۸۱ قانون اساسی اشاره کرد؛ براساس این اصل، دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً منوع می‌باشد.

عضویت در سازمان جهانی تجارت به معنی اعطای امتیازات یک جانبه نمی‌باشد و کشور متقاضی عضویت در قبال امتیازات حاصله امتیازهای متنقابلی را به سایر اعضاء اعطاء می‌نماید. ظاهراً این اصل در زمینه خدمات از جمله بانکداری با اصل دسترسی به بازار موافقت‌نامه عمومی تجارت و خدمات در تعارض است. بنابراین در صورت عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت، ضرورت پرداختن به رفع موانع در این زمینه مبرهن و محزز می‌باشد. اگر چه در سالهای اخیر با الحق جمهوری اسلامی ایران به بعضی از کنوانسیون‌های بین‌المللی و اصلاح قوانین مربوط، گامهای نسبتاً خوبی برداشته شده است؛ که از آن جمله می‌توان به قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علایم تجاری ۱۳۸۶/۱۱/۳ مجلس شورای اسلامی اشاره نمود. لکن صرف نظر از اینکه قانون مذکور در راستای اصل ۸۵ قانون اساسی به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده و مجلس با اجرای این قانون به صورت آزمایشی به مدت پنج سال موافقت نموده، این امر سبب ثبات در تصمیمات و تنسيق امور نمی‌گردد؛ لذا پاره‌ای از اصلاحات در این قبیل از قوانین، لازم و اساسی به نظر می‌رسد.

با عنایت به اینکه هم‌اکنون کشور ایران به عنوان عضو ناظر در سازمان تجارت جهانی پذیرفته شده است و از طرفی وضعیت حضور در معاملات و مبادلات تجاری جهانی اقتضاء هماهنگ بودن با مقررات سازمان مذکور را دارد؛ این امر ایجاد می‌نماید که علاوه بر اصلاح و تکمیل قوانین، در جهت ایجاد این هماهنگی، تشکیلات دستگاه‌های اجرایی و قضایی کشور نیز از لحاظ کمی و کیفی در این زمینه مورد توجه ویژه‌ای واقع شود. تخصصی شدن محاکم و بهره مندی از اطلاعات روز جهانی و همچنین تدوین آینین دادرسی خاص از قبیل آینین دادرسی تجاری، ضروری به نظر می‌رسد، زیرا نقشی که عالم تجارت در اقتصاد جهانی و کشورها اینها می‌نمایند به عنوان یک حقیقت غیر قابل انکار وجود دارد و بی‌توجهی به وضعیت کمی و کیفی موجود، تخصصی نمودن محاکم و عدم توجه به نظام دادرسی مربوطه، نظام قضایی و محاکم را در آینده نزدیک با مشکل جدی رویرو خواهد ساخت.

۳-۲-۲- راهکارها

از آنجا که «پذیرش و الحاق به سازمان جهانی تجارت، باعث منطقی شدن تصمیم‌گیری‌ها در کشورهای داوطلب شده و این امر هزینه‌های توسعه آنها را کاهش می-دهد»؛ (Grynberg, & joy-2001/ p9.) لذا برای نیل به این مهم، سیاست‌های کلان کشور می‌بایست برای ورود بدین عرصه آمادگی کامل داشته باشد و سناریوهای مختلفی را مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهد که این امر مستلزم هماهنگی با بخش‌های اقتصادی و حقوقی است تا بتوان به دیپلماسی حقوقی و تجارتی نائل شد.

از جمله راهکارها و اقدامات لازم را می‌توان موارد ذیل برشمرد؛ که همگی برای دستیابی و نیل به وفاق و اجماع بین نهادها و سازمان‌های است که به راحتی امکان‌پذیر نمی‌شود:

- بستر سازی قانونی از طریق تنقیح قوانین در برخی قوانین نظیر قوانین اساسی (از جمله در مورد تعامل برخی اصول مثل اصل ۴۴ و ۸۱ با قواعد جهانی)، کار، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، بیمه، بانکداری اسلامی، گمرک، مالیات و... و تطبیق آنها با قوانین و مقررات سازمان جهانی تجارت و ایجاد تعامل منطقی و سودبخش مبانی فقهی قانونگذاری و قواعد جهانی.

البته شاید در مورد اینکه این بازنگری در قوانین می‌بایست به چه قیمتی باشد، این شبهه به ذهن متبار شود که حدود و شغور این بازنگری می‌بایست در چه قالب‌هایی انجام گیرد؟ بدیهی است که با توجه به ظرفیت‌های فراوان حقوقی و فقهی در ایران حقیقتاً مشکلات بدون راه حلی را به دنبال نخواهد داشت ولی میزان این مشکلات را می‌بایست بسته به

چگونگی تعامل با قواعد جهانی دانست و یکی از مشکل احتمالی در این مورد را می‌توان عواقب ناشی از انباست قوانین در کشور دانست که با تنقیح قوانین و مقررات این مهم قابل حل خواهد بود.

- شناسایی و طبقه‌بندی ظرفیت‌های موجود برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد شرایط سیاست خارجی و اقتصادی منسجم

- ایجاد ظرفیت اضافی برای صادرات کالاهای صنعتی و تدوین قوانین لازم برای زمینه سازی جهت الحق

- مشارکت فعال دانشگاهیان و لزوم هماهنگی و ارتباط تمام دانشگاهها و دستگاه‌های اجرایی و تولیدی و برقراری ارتباط نهادینه با بازارهای بین‌المللی

- حلّ معضل انباست قوانین و لزوم تنقیح قوانین و مقررات از طریق هماهنگی قوای سه‌گانه

- کاهش تصدی‌گری دولت در امور اقتصادی و آزادسازی تجارت کالا، خدمات و مالکیت معنوی

- هماهنگی بین بخش‌های خصوصی، دولتی و تعاونی

- پایین آوردن و کاهش میزان حمایت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای از محصولات داخلی علاوه بر موارد مصرحه، الحق ایران به سازمان جهانی تجارت، نیازمند تحول و بازنگری برخی اجزاء و بررسی اساسی در این زمینه می‌باشد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- لازمه‌ی اصلی الحق به سازمان جهانی تجارت، پذیرش موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPs) می‌باشد و پذیرش آن به منزله پذیرش استانداردهای حداقلی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری در تمام زمینه‌های آن است. لذا الحق به این موافقت‌نامه که یکی از اسناد سه گانه سازمان جهانی تجارت و حاوی استانداردهای حداقلی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری در تمام زمینه‌های آن اعم از مالکیت ادبی- هنری، مالکیت صنعتی و رقابت غیر منصفانه است، لازم به نظر می‌رسد.

- مشکل و مسئله اصلی در هنجارهای حمایتی است؛ البته علاوه بر اصلاح مقررات موجود و تدوین قوانین برای حمایت از بخش‌های خدمات و مالکیت معنوی، قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی در زمینه‌ی مالکیت صنعتی نیز، باید مورد توجه قرار گیرد.

- نگاه بلندمدت به حضور در عرصه‌ی بین‌الملل، انتقال تکنولوژی، تجارتی‌سازی ثبتی و تقبل هزینه‌هایی در آینده من جمله لزوم برقراری تناسب منطقی میان اصول و مبانی فقهی و اسلامی و قواعد بین‌المللی

- اتخاذ تدابیر کافی در زمینه‌ی حقوق مالکیت فکری و بحث صدور مجوزهای اجباری در کپی‌رایت و همچنین طرح قواعد جدید جهت حل مسائلی که در اثر تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی حاصل شده‌اند. در زمینه‌ی اخیر بهره‌گیری از قواعد و تجربیات معاهده‌ها و فونوگرام واپیو از ضروریات می‌باشد.

علاوه بر این، به منظور گسترش تعاملات تجاری بین المللی ایران و پیوند بیشتر با اقتصاد جهانی، بالاخص با عنایت به آغاز فرآیند الحق به WTO، با ۱۵۳ کشور عضو، ضروری است که حداقل استانداردهای تعیین شده در " موافقت نامه تریپس" راجع به مقررات ماهی حمایت از کپی‌رایت و اجرای این حقوق در قوانین کپی‌رایت کشور وارد شود؛ چرا که به عنوان یک الزام حقوقی در WTO محسوب می‌شود.

- تعیین حدود و تغور در تعارض میان حق فردی و جامعه و بهره‌برداری از ثمرات فکری - حمایت قانونی در حوزه‌های کپی‌رایت و آثار ادبی و هنری بسیار ناقص و نارسانست و در این زمینه نیاز به قانونگذاری محسوس است.

همچنین در زمینه‌ی حمایت از اسرار تجاری، مدارهای یکپارچه، مدل اشیاء مفید و مقابله با رقابت مکارانه، تدوین قانون و حمایت تقنینی نیازی میرم محسوب می‌گردد.

- لزوم تدوین قوانین نوین در حوزه مالکیت صنعتی و حمایت از حقوق اخلاقی و معنوی، به ویژه در زمینه آثار ادبی و هنری

- ضعف نظام اعلامی در ثبت اختراعات ایران و لزوم تغییر سیستم اعلامی به تحقیقی

- همچنین حضور فعال ایران در اجلاس سازمان جهانی مالکیت معنوی و سایر سازمان‌های مؤثر بین‌المللی که در رابطه با تدوین یا اصلاح معاهدات مربوطه تشکیل می‌شود، مورد پیشنهاد است.

- عدم ضرورت وجود برخی مواد قانونی - مانند ماده ۱۹ در قانون جدید ثبت اختراع - و لزوم تصویب موافقت نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری؛ به عنوان یکی از سه رکن اصلی سازمان جهانی تجارت؛ همچنین لزوم اتخاذ تدابیر تقنینی برای حل تعارضات قانونی داخلی با قوانین بین‌المللی؛ به گونه‌ای که حتی کمترین منافع داخلی نیز تأمین گردد؛ چرا که در غیر این صورت، بموجب ماده ۶۲ قانون ثبت اختراعات مقررات بین‌المللی مقدم خواهد بود.

وجود این موافقت نامه در سازمان جهانی تجارت نشانگر آن است که قوانین و مقررات کلان مربوط به حمایت از حقوق مالکیت فکری نقش عمده‌ای در دستیابی صاحبان این حقوق به منافع اقتصادی و تجاری آنها دارد. مسئله بسیار مهمی که در اینجا لازم به تأکید است این است که در تحول و بازنگری و بررسی نکات و ضرورت‌های راهبردی الحق،

نباید از ظرفیت‌ها و مبانی اسلامی و فقهی غافل ماند؛ چرا که لازمه تقنین در نظام جمهوری اسلامی ایران، مطابق اصل چهارم قانون اساسی؛ که مقرر می‌دارد "بکلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است"؛ مطابقت قوانین بر اساس موازین اسلامی می‌باشد. لذا لازمه اینکارناپذیر در الزامات حقوقی و تقنینی برای تعامل با قواعد بین‌المللی، تطبیق آنها با موازین اسلامی است که در عمل ممکن است با مشکلاتی مواجه گردد. ولی در هر حال مطابق نص قانون اساسی، تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. بنابر آنچه گفته شد؛ شایسته است ضمن بررسی و آسیب‌شناسی قوانین و الزامات و موانع، زمینه‌های هموارسازی جهت الحق؛ از جمله بازنگری و به روزرسانی قوانین مربوطه، جهت فرهنگ‌سازی و اعمال ضمانت اجراهای مناسب اقدامات مقتضی بعمل آید.

۴- آثار الحق ایران به سازمان جهانی تجارت

عضویت در سازمان جهانی تجارت به معنای قبول کلیه موافقت‌نامه‌های چندجانبه آن سازمان و در نتیجه، قبول تعهداتی است که در این موافقت‌نامه‌ها بیان شده است. بر این اساس، کشور متقاضی عضویت در سازمان جهانی تجارت باید مقررات داخلی مرتبط با تجارت خارجی خود را با الزامات این سازمان هماهنگ نماید؛ به عبارت دیگر، «کشورهای مختلف هر کدام در تجارت بین‌الملل مبانی و نظام حقوقی و تجاری خاصی دارند که در برخی موارد مغایر و ناسازگار با اصول و الزامات سازمان جهانی تجارت است و این امر ممکن است بهره مندی هر چه بیشتر آن‌ها را از شرایط تجارت آزاد، خدشه دار سازد؛ لذا تلاش در جهت رفع آن‌ها برای هر کشوری اجتناب ناپذیر است.» (کمیجانی، ۱۳۷۶ / ۳۶) بنابراین بسترسازی حقوقی برای الحق به سازمان جهانی تجارت الزامی است.

در نوع تعامل با سازمان جهانی تجارت، این نکته را نباید نادیده انگاشت که عدم الحق به این سازمان بیش از آنکه برای کشورمان واجد منافع باشد، موجبات عدم‌النفع و یا زیان‌های حقوقی، اقتصادی و حتی سیاسی می‌گردد. از این رو، هر نظری مبنی بر عدم لزوم الحق به سازمان مزبور مردود به نظر می‌رسد. اما این احساس نیاز به الحق به این سازمان و نوع تعامل با آن نباید به گونه‌ای باشد که ظرفیت‌های ملی را بطور کلی قربانی کند. به همین مناسبت، در صورتی که ایران به عضویت دائم سازمان جهانی تجارت درآید

بایستی معاهدات بین‌المللی زیادی را بپذیرد و تعدیلات زیادی را نیز در قوانین داخلی انجام دهد که علاوه بر مواردی که بصورت تلویحی در قالب مطالب پیشین تصریح شد، به بررسی مرواری برخی دیگر از این قوانین و موضوعات نظری خواهیم داشت. البته این بدان معنا نخواهد بود که در مسیر الحق به سازمان جهانی تجارت، اصول کلی و مبانی فقهی و اسلامی را نادیده انگاشت؛ بلکه در این مورد نیازمند ایجاد تعامل و بررسی همه جوانب و هزینه‌های فرصت خواهیم بود که تشخیص مصادیق آن با نهادهای ذیربط می‌باشد.

در قوانین و مقررات داخلی کشورها، «عمده‌ترین مقررات مرتبط با موضوع الحق ایران به سازمان جهانی تجارت عبارتند از: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقررات مربوط به صادرات و واردات، مقررات مربوط به تشویق تولیدکنندگان داخلی، مقررات مربوط به بخش خدمات، مقررات راجع به حمایت از حقوق مالکیت معنوی، مقررات راجع به حل و فصل دعاوی تجاری خارجی، قوانین مالیاتی، قوانین ارزی و قوانین گمرکی.» (شیروی، ۱۳۷۹ / ۳۷) لذا در صورت رفع موانع و تطبیق قوانین و مقررات مربوطه با قواعد بین‌المللی و نگرش همه جانبه به راهکارها و موازین اسلامی؛ می‌توان امیدوار بود که الحق ایران به سازمان جهانی تجارت، علاوه بر آثار مهم اقتصادی و سیاسی؛ موجب شکوفایی نظام حقوقی مدرن و هماهنگ با نظامهای نوین بین‌المللی گردد. لذا مفاهیم بسیار مهم و جامعی در این حیطه وجود دارد که در صورت الحق به سازمان مذکور، مورد مداقه عمیق‌تر قرار می‌گیرند و ما در این مجال به صورت موردنی از آنها یاد می‌کنیم:

- مصادیق و مفاهیم حقوق مالکیت صنعتی؛ از جمله: اختراع، علائم تجاری، اسامی تجاری، نشانه یا علائم جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، طرح ساخت مدارهای یکپارچه، اسرار تجاری، رقابت نامشروع و مکارانه، حفاظت از اطلاعات افشا نشده و کنترل رویه‌های ضد رقابتی

- مصادیق و مفاهیم حقوق مالکیت ادبی و هنری (اعم از حقوق مادی و حقوق معنوی یا اخلاقی) از جمله: حق مولف، حقوق جانبی و حق نسخه برداری؛ که مصادیق این قسم از حقوق را می‌توان در مواردی چون: حق نشر و تکثیر، حق ترجمه، حق عرضه و اجرا و نمایش، حق انتشار، حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده، حق حرمت اثر و حق عدول یا پس گرفتن جستجو کرد.

- توجه به اجرا و نظام حل اختلاف در حوزه‌های حقوق مالکیت معنوی، صنعتی و حقوق مالکیت ادبی و هنری و همچنین تنظیم نظام حمایت از حقوق مذکور؛ چرا که موافقت‌نامه تریپس، کشورهای عضو را متعهد می‌سازد که یک تشکیلات اجرایی موثر را در نظام ملی خود ایجاد کنند. موافقت‌نامه بدین منظور، حداقل استانداردهای اجرا را تعیین

می‌کند (Biadgleng & Tellez, 2008/p5) که کشورهای عضو WTO ملزم به رعایت آن‌ها در قوانین ملی خود هستند. این مقررات نیز فراتر از موافقت‌نامه تریپس در حال توسعه هستند. (Xuan, 2008/3-16). برای اینکه تا سرحد امکان این تحولات به نحوی که کشورها نیز حاضر به قبول تعهدات درباره حمایت از آنها باشند لحاظ شده باشد، در موافقت‌نامه تریپس با توجه به گسترش مصاديق تصمیم‌گیری مواردی افزوده شده است و ممکن است اتخاذ اقدامات مقتضی، به شرط مطابقت با مقررات تریپس ضرورت یابد.» (Blakeney, 1996/ 42-43)

بنابراین الحق ایران به سازمان جهانی تجارت، در چارچوب حقوق مالکیت فکری، امکان حمایت بهتری را در زمینه‌های حقوق مالکیت صنعتی از قبیل اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، اسرار تجاری و... - علاوه بر حمایت قوانین ملی - در بی خواهد داشت و هم مصاديق و مقولات مربوط به حقوق مالکیت ادبی - هنری و حقوق مرتبط از قبیل کتاب، رساله، شعر، اثر سمعی و بصری، اثر موسیقی، نقاشی، نوشته - ها، اثر معماری، اجرای اجرائندگان، تولیدکنندگان، صفحات صوتی و سازمان‌های پخش و... را مورد حمایت قرار خواهد داد؛ به گونه‌ای که در این رابطه و در سطح بین‌المللی ترتیبات دو جانبه و چند جانبه متعددی برای تنظیم روابط میان دولت‌ها به منظور حمایت حقوقی در زمینه مالکیت‌های فکری و صنعتی، شکل گرفته‌اند که به دلیل فرآیند جهانی شدن، طی سال‌های اخیر بر تعداد، دامنه و حوزه کارکرد آن‌ها افزوده شده است.

ناگفته نماند که الحق ایران به سازمان مذکور آثار عدیده دیگری از جمله؛ کمک به اصلاح ساختار اقتصاد ارشادی و دولتی ایران، کمک به تعامل بهتر و یا رفع تحریم‌های همه‌جانبه و هموارسازی رقابت‌پذیری سالم در عرصه‌های تجاری، نیل به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز بیست ساله و امکان شرکت فعال در اجلاس سازمان جهانی تجارت و نیز سازمان جهانی مالکیت معنوی که در رابطه با اصلاح یا تدوین معاهدات مربوط به حقوق مالکیت معنوی به منظور اثرباری در شکل‌گیری هنجارها و وضع قواعد مربوط شکل می‌گیرد، را خواهد داشت. از این رو باید مالکیت معنوی را در جهان امروزه به مثابه اهرم افزایش اقتدار ملی و بازوی توانمندسازی نظام‌های حقوقی و حتی سیاسی دانست که اگر با تدبیر اندیشمندانه مواجه نشود، به تناسب نوع برخورده، همانند تیغی دو لبه امکان توانمندی و حتی تنفس را در بی خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

بدون تردید سازمان تجارت جهانی مهم‌ترین نهاد تجارت بین‌المللی است که وظیفه قانون‌گذاری، هدایت و ناظرخواست در موضوع تجارت بین‌الملل را بر عهده دارد. در این مقاله با اذعان به اهمیت جایگاه مالکیت معنوی در نظام حقوقی و اقتصادی کشور، ضمن بررسی اهمیت و جایگاه سازمان جهانی تجارت، برآورده از مزايا و معایب الحقاق به این سازمان، به دست آمده و بدین نتیجه نائل گشته‌یم که؛ موافقت‌نامه‌هایی در عرصه‌های مختلف در این سازمان و بین اعضای آن به تصویب رسیده است که هر کشور متقاضی عضویت در سازمان جهانی تجارت باید ضمن پذیرش این مقررات، قوانین داخلی خود را نیز با آن تطبیق دهد.

نتیجه‌ی این که الحقاق ایران به سازمان جهانی تجارت دارای پیامدها و آثاری در حوزه‌ی قوانین و مقررات، به ویژه حقوق مالکیت معنوی است. نواقص موجود را باید در نواقص تقنینی، اجرایی و ضمانت اجرای مفید و موثر خلاصه نمود؛ بطوری‌که بخش‌هایی از قوانین موجود در تعارض با مقررات WTO است و به نظر می‌رسد گام‌هایی - هر چند اندک - در این راه برداشته شده است. با این حال، لازم است هم‌زمان با شروع مذاکرات الحقاق، کار اصلاح و تعديل برخی از مقررات مغایر با قوانین سازمان جهانی تجارت صورت پذیرد. بنابراین دغدغه‌ی اصلی و مهم نظام جمهوری اسلامی ایران جهت الحقاق به سازمان مذکور در حیطه‌ی مورد بحث را باید در بستر سازی قانونی از طریق بازنگری در زمینه تقنینی، اجرایی و ضمانت اجرای مفید و موثر خلاصه نمود که لازمه‌ی انکارناپذیر در اجرایی نمودن این امور، الزامات حقوقی برای تعامل قواعد داخلی با قواعد بین‌المللی و تطبیق آنها با موازین اسلامی (باتوجه به ماهیت اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران) است که مطابق اصل چهارم قانون اساسی تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. اما از آنجا که در مورد مشروعیت مالکیت معنوی و برخی حقوق مترتب بر آن - بعنوان پیش شرط اساسی تعامل با قواعد مالکیت معنوی جهانی - میان فقهای شورای نگهبان اختلاف نظر است، به نظر می‌رسد بتوان با استناد به قاعده‌ی لا ضرر و احکام حکومتی و سلطانی بر این عدم مشروعیت مهر مشروعیت زد؛ لذا ولی‌فقیه اگر مصلحت جامعه را در الزام اجتماع به تبعیت از نظام جهانی مالکیت معنوی ببیند، می‌تواند با محترم شمردن این حقوق، رعایت آن را بر همگان تکلیف نماید. البته این اقدام مستلزم طی مرحل قانونی تصویب از مجرای مجلس، شورای نگهبان و در صورت لزوم، مجمع تشخیص مصلحت نظام است. لذا مشروعیت بخشیدن به حقوق مالکیت معنوی از اختلال نظام جلوگیری می‌کند و زمینه لازم جهت تعامل با قواعد بین‌المللی و نظام جهانی را مساعد و هموار می‌نماید و تحقق این امر

از مقدمات اصلی الحق است؛ بنابراین از باب حکم سلطانی می‌توان شرعیت حقوق یاد شده را نتیجه گرفت و آنها را لازم الاتّباع دانست در غیر این صورت تعامل با قواعد بین‌المللی با مشکل روپرتو خواهد شد که علاوه بر تبعات سوء حقوقی، سیاسی، اقتصادی و حتی اخلاقی، می‌تواند وجهه بین‌المللی کشورمان را نیز خدشه‌دار سازد.

کتابنامه

الف- منابع فارسی و عربی

قرآن کریم

آخوند خراسانی، محمد کاظم(۱۴۱۷هـ)، «*کفاية الاصول*»، قم: نشر مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

اردبیلی، احمد(۱۳۷۵)، «*زیده البيان في احكام القرآن، الطبعه الأولى*»، ج ۲، قم: مؤتمر المقدّس الأردبیلی.

اسماعیلی، محسن(۱۳۸۹)، «حقوق مالکیت‌های معنوی در فقه امامیه؛ با تأکید بر تجربه قانونگذاری در ایران»، مجموعه مقالات همایش مالکیت ادبی - هنری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

افتخارزاده، محمود(۱۳۷۶)، «حقوق مؤلفان، مترجمان در فقه معاصر اسلامی»، تهران: هزاران. امیری، حسین‌علی(۱۳۸۸)، «اجرای حقوق مالکیت صنعتی در سازمان تجارت جهانی و حقوق ایران»، تهران: میزان.

انصاری، مرتضی(۱۴۲۰هـ)، «*المکاسب*»، قم: ط / مجمع الفکر الإسلامي آیتی، حمید(۱۳۷۵)، «حقوق آفرینش‌های فکری»، تهران: حقوقدان.

بجنوردی، سید محمد(۱۴۰۱هـ)، «القواعد الفقهية»، ج ۱، تهران: عروج.

بجنوردی، سید‌حسن(۱۳۸۹)، «القواعد الفقهية»، ج ۱، قم: اسماعیلیان. الجعی‌العاملی، زین‌الدین بن علی(۱۴۱۰هـ)، «الروضه البهیه فی شرح اللمعه»، ج ۲، قم: انتشارات داوری.

حرّعامتی، محمد بن حسن(۱۳۸۲هـ)، «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشّریعه»، ج ۱۱، بیروت: دار احیاء التراث.

حسینی، سید جعفر(۱۳۷۰)، «اقتصاد در فقه اسلامی»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

خمینی(امام) سید روح الله موسوی(۱۴۲۱هـ)، «كتاب البيع»، ج ۱؛ ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره)، ج اول.

- خمینی(امام) سید روح الله موسوی(۱۴۲۳ ه ق)، «ولایت فقیه»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره)، ج چ دوازدهم.
- خمینی(امام) سید روح الله موسوی(۱۳۸۵)، «السائل»، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خمینی(امام) سید روح الله موسوی(۱۴۰۸ ه ق)، «تحریر الوسیله»، ج ۲، دارالکتب العلمیه، قم: اسماعیلیان.
- خمینی(امام) سید روح الله موسوی(۱۴۱۰ ق)، «كتاب البيع»، ج ۴، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خمینی(امام) سید روح الله موسوی(۱۳۶۳)، «تحریر الوسیله»، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیّه.
- خمینی، سید مصطفی(۱۴۱۸ ق)، «خیارات»، ج ۲، قم: تحقیق مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی(ره).
- خویی، ابوالقاسم(۱۳۷۷ ق)، «مصباح الفقاہه»، ج ۲، قم: داوری.
- دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران(۱۳۸۴)، «گزارش الحق به سازمان جهانی تجارت تعامل فعال با اقتصاد جهانی و رقابت پذیری اقتصاد ملی»
- دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۱)، «چگونگی الحق به سازمان تجارت جهانی».
- سبحانی، جعفر(۱۳۷۱)، فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری
- شیروى، عبدالحسین(۱۳۷۹)، «الحق ایران به سازمان جهانی تجارت و تأثیر آن بر مقررات داخلی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال دوم، شماره ۵.
- صادقی یارندی، سیف الله(۱۳۷۵)، «سیستم حقوق مالکیت معنوی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه موافقت‌نامه جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی»، همايش ملی بررسی حقوق مالکیت صنعتی در جمهوری اسلامی ایران: جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی در تجارت بین‌الملل، تهران: سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.
- صدر، سید محمد باقر(۱۴۲۰ ه ق)، «قاعده لاضرر و لا ضرار»، قم: دارالصادقین للطبعه و النشر، چاپ اول.
- علیان نژادی، ابوالقاسم(۱۳۷۹)، «استفتائات جدید»، قم: مدرسه امام علی(ع).
- فاخری، مهدی(۱۳۸۲)، «سازمان تجارت جهانی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- فاخری، مهدی(۱۳۸۶)، «راهکارهای الحق ایران به سازمان تجارت جهانی، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن»، تهران: ثالث.

- فاضل لنگرانی، محمد(۱۳۷۱)، فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب(۱۴۲۹ ه ق)، «الکافی (ط - دارالحدیث)»، ج ۱، قم: دارالحدیث للطبعه و النشر، چاپ اول.
- کلینی، أبو جعفر محمد بن یعقوب(۱۳۸۸ق)، «الکافی»، ج ۲ و ج ۵، تهران: دارالكتب الاسلامیه، چاپ سوم.
- کمیجانی، اکبر(۱۳۷۶)، «بررسی برخی جنبه‌های اقتصادی و حقوقی الحق ایران به سازمان تجارت جهانی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، سال دوم، شماره ۷.
- مازندرانی، محمد صالح(۱۳۸۸ق)، «شرح اصول الکافی»، ج ۱، تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر(۱۴۰۳ق)، «بحارالانوار»، ج ۱، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مرعشی شوشتاری، محمد حسن(۱۳۷۱)، فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- مطهری، مرتضی(بی‌تا)، «مجموعه آثار استاد (نظری به اقتصاد اسلامی)»، تهران: انتشارات صدرا.
- مظفر، محمدرضا(۱۳۷۰)، «اصول الفقه»، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر(۱۴۱۱ ه ق)، «القواعد الفقهیه»، ج ۱، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین(ع).
- نائینی، میرزا محمدحسین(۱۴۲۴ ه ق)، «تنبیه الأمة و تنزیه الملة»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ اول.

ب - منابع لاتین

Agreement on Trade -Related Aspects of Intellectual Property Rights (1994).

Bern Convention for the Protection of Literary and Artistic Works (1886)

Biadgleng, E.T. & Tellez, V.M. (2008), "The Changing Structure and Governance of Intellectual Property Enforcement", Sout Center, Research Paper, No.15, and Jan.: 10-23.

Blakney, Michael.(1996),"Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights: A Concise Guide to the Trips Agreement". London: Sweet and Maxwell.

Fink, Carsten and Maskus, E.(2005)," Intellectual Property and Development", Lesson from Recent Economic Research. World Bank and Oxford University Press.

Grynberg, R & joy, M,(2001),"the Accessing of Vanuatu to WTO: Lessons for Multilateral Trading System", UNCTAD, Geneva.

Kaeith Maskus,(1994),"Trade Related Intellecual Property Rights", University of Michigan Press, Mich.

Li, Xuan.(2008) "WCO SECUE: Lesson learn from the Abortion of the TRIPS-Plus IP Enforcement Initiative", Sout center, Research Papers, No.19.

Provisions mementioned in the TRIPs Agreement of Convention, , WIPO, Geneva (1996)

WIPO Pereformances and Phonograms Treaty CWPPT (1996)

World Intellectual Property Organization, Intellectual Prooerty Reading Material, WIPO Publication No.476(e) Geneva (1999)